

تحلیل تطبیقی نقض حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه و تطبیق آن با تروریسم دولتی: مطالعه موردی اقدامات رژیم صهیونیستی با تأکید بر حملات اخیر به ایران در پرتو حقوق بین الملل بشردوستانه

سید نیمانوروزی*^۱ اطر درویشی^۲ سید محمدرضا قاسم تبار^۳

۱ پژوهشگر رسمی و دانش پژوه سطوح عالی و خارج، معاونت پژوهش حوزه علمیه قم، قم، ایران

۲ دانشجو دکتری حقوق بین الملل و ناظر و بازیبن شبکه ماهواره ای و بین المللی الثقلمن، تهران، ایران

۳ دانشجو دکتری حقوق بین الملل و رئیس شبکه ماهواره ای و بین المللی الثقلمن، تهران، ایران

چکیده. مسئله حقوق کودکان از دیرباز در قالب معاهدات و قطعنامه‌های مختلف حقوق بشری و حقوق بشردوستانه مورد توجه جامعه بین‌المللی بوده است. با این حال، کودکان همچنان از آسیب‌پذیرترین قربانیان مخاصمات مسلحانه به شمار می‌روند. مقاله حاضر به بررسی ابعاد نقض حقوق کودکان توسط رژیم صهیونیستی، چه در سرزمین‌های اشغالی و چه در حملات اخیر به خاک ایران، با اتکاء بر اسناد الزام‌آور حقوق بین‌الملل می‌پردازد. در این راستا، اصول کلیدی چون اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان، ممنوعیت حمله به غیرنظامیان و حق بنیادین حیات مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد بسیاری از اقدامات این رژیم، مصداق بارز نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل است که می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی و حتی تعقیب کیفری در سطح دیوان کیفری بین‌المللی را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه، مسئولیت بین‌المللی

۱. نویسنده مسئول: n.nima1376@gmail.com

۲. athar.darvishe7531@yahoo.com

۳. ghasemtabar@yahoo.com

Comparative Analysis of the Violation of Children's Rights in Armed Conflicts and Its Applicability to State Terrorism: A Case Study of the Actions of the Israeli Regime with Emphasis on Recent Attacks on Iran in Light of International Humanitarian Law

Seyed Nima Norouzi*, Atar Darvishi, Seyed Mohammadreza Ghasemtabar

1Official Researcher and Scholar of Advanced and Higher Levels, Research Department of the Qom Seminary, Qom, Iran

2PhD Student in International Law and Supervisor and Reviewer of Al-Thaqalayn Satellite and International Network, Tehran, Iran

3PhD Student in International Law and Head of Al-Thaqalayn Satellite and International Network, Tehran, Iran

Abstract : The issue of children's rights has long been a focal point of international human rights and humanitarian law treaties and resolutions. However, children continue to be among the most vulnerable victims of armed conflicts. This article examines the violations of children's rights by the Israeli regime, both in the occupied territories and in recent attacks on Iran, relying on binding international legal documents. In this regard, key principles such as the distinction between combatants and non-combatants, the prohibition of attacks on civilians, and the fundamental right to life are analyzed. The findings show that many of the regime's actions are a clear violation of peremptory international law norms, which could lead to international responsibility and even criminal prosecution at the International Criminal Court.

Keywords : Children's Rights, International Humanitarian Law, Armed Conflicts, International Responsibility

مقدمه

مسئله حمایت از حقوق کودکان به عنوان یکی از اساسی ترین ابعاد حقوق بشر، از دیرباز در اندیشه های حقوقی و اخلاقی بشر جایگاهی ویژه داشته است. پس از فجایع گسترده ناشی از دو جنگ جهانی، جامعه بین المللی با درکی عمیق تر نسبت به آسیب پذیری کودکان در مخاصمات مسلحانه روبه رو شد و به این ترتیب، تدوین اسناد متعدد بین المللی به منظور حمایت از حقوق آنان آغاز گردید (سازمان ملل متحد، ۱۹۸۹). این اسناد نشان دهنده اراده جهانی برای تضمین حقوق کودکان و جلوگیری از تکرار فجایعی است که بشر در قرن بیستم شاهد آن بوده است.

کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ نقطه عطفی در مسیر حمایت های بین المللی از کودکان به شمار می رود. این کنوانسیون که عملاً به توافق جهانی تبدیل شده، با صراحت به تبیین حقوق اساسی کودکان، از جمله حق حیات، بقا، رشد، آموزش و حمایت در برابر خشونت پرداخته است (سازمان ملل متحد، ۱۹۸۹). تصویب این کنوانسیون و پیوستن قریب به اتفاق کشورها به آن، بیانگر اهمیت والای موضوع در وجدان جمعی جهانی است.

با وجود چنین پیشرفت های حقوقی، متأسفانه کودکان همچنان در بسیاری از مخاصمات مسلحانه قربانیان اصلی خشونت های سازمان یافته محسوب می شوند. گزارش های سازمان ملل حداقل شش نوع نقض فاحش حقوق کودکان در زمان جنگ را شناسایی کرده که شامل قتل، معلول سازی، به کارگیری در نبردها، حمله به مدارس و بیمارستان ها، سوء استفاده های جنسی و محرومیت از کمک های بشردوستانه است (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۵). این آمارها گواهی بر استمرار شکنندگی وضعیت کودکان در برابر آثار ویرانگر جنگ هاست.

رژیم صهیونیستی به عنوان نمونه ای بارز از یک دولت متهم به نقض حقوق بین الملل بشردوستانه، طی هشت دهه گذشته همواره در سرزمین های اشغالی فلسطین و حتی فراتر از آن، به ارتکاب اقداماتی علیه کودکان متهم شده است. اسناد و گزارش های متعددی وجود دارد که نشان می دهد این رژیم با نادیده گرفتن اصول بنیادینی مانند اصل تفکیک میان غیرنظامیان و رزمندگان، عملاً کودکان را به طور مستقیم یا غیرمستقیم هدف قرار داده است (کمیته بین المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷).

حملات اخیر اسرائیل به خاک ایران و آسیب های وارده به کودکان ایرانی بار دیگر این پرسش را در سطح حقوقی مطرح می کند که چگونه می توان چنین اقداماتی را در چارچوب قواعد آمره حقوق بین الملل تحلیل کرد. براساس منشور ملل متحد، توسل به زور علیه تمامیت ارضی کشورها ممنوع است و بنابراین هرگونه حمله ای که منجر به خسارات جانی به غیرنظامیان، به ویژه کودکان، شود، نقض آشکار این قواعد محسوب می شود (منشور ملل متحد، ۱۹۴۵).

افزون بر این، قواعد ناظر بر مخاصمات مسلحانه اعم از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، به صراحت بر لزوم رعایت اصل تمایز و حمایت ویژه از افراد غیرنظامی، به ویژه کودکان، تأکید دارند (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷). ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی این اصل را به عنوان قاعده‌ای بنیادین معرفی می‌کند و بر منع هرگونه حمله‌ای که به طور مستقیم متوجه غیرنظامیان شود، تأکید می‌نماید.

از منظر حقوق کودک نیز ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک بر حق ذاتی کودکان برای زندگی و بقا تأکید می‌کند و ماده ۳۸ این کنوانسیون به طور خاص از دولت‌ها می‌خواهد در زمان مخاصمات مسلحانه، مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال را محترم شمرده و از کودکان در برابر آثار مخرب جنگ محافظت نمایند (سازمان ملل متحد، ۱۹۸۹). این اسناد مسئولیت مضاعفی را بر دوش دولت‌ها در قبال کودکان قرار می‌دهند.

بر این اساس، این مقاله در پی آن است که ضمن مرور مهم‌ترین اسناد حقوق بین‌الملل ناظر بر حمایت از کودکان در زمان جنگ، به بررسی مصادیق نقض این حقوق توسط رژیم صهیونیستی به ویژه در حملات اخیر به خاک ایران بپردازد و در نهایت تلاش کند مسئولیت بین‌المللی ناشی از این اقدامات را در پرتو اصول و قواعد حقوق بشردوستانه تحلیل و تبیین نماید.

مبانی نظری پژوهش

در این بخش بحث مبانی نظری تحقیق و جوانب مسئله بررسی می‌شود.

مبانی نظری حقوق کودک و اسناد بین‌المللی

حقوق کودکان به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از مجموعه حقوق بشر، از قرن بیستم به طور جدی وارد عرصه قواعد الزام‌آور بین‌المللی گردید. در حالی که پیش از این، موضوع حقوق کودک بیشتر در چارچوب هنجارهای اخلاقی و خانوادگی مطرح بود، فجایع دو جنگ جهانی و پیامدهای سهمگین آن به ویژه بر کودکان، ضرورت تدوین مقررات خاص در این زمینه را آشکار ساخت.

اعلامیه حقوق کودک ژنو در سال ۱۹۲۴ نخستین تلاش جامعه جهانی برای رسمی‌سازی حمایت‌های ویژه از کودکان به شمار می‌رود. این سند عمده‌تأ بر رفع نیازهای اولیه کودکان جنگ‌زده و حمایت آنان در برابر گرسنگی، بیماری و آوارگی تأکید داشت. با این حال، گسترش جنگ‌ها و بحران‌های انسانی در نیمه نخست قرن بیستم نشان داد که لازم است اسناد جامع‌تر و الزام‌آورتری تدوین گردد.

بدین ترتیب در سال ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل اعلامیه حقوق کودک را تصویب کرد که بنیانی برای تلاش‌های بعدی در جهت تدوین یک کنوانسیون جامع شد. این روند سرانجام در سال ۱۹۸۹ به تصویب کنوانسیون

حقوق کودک انجامید که تاکنون گسترده‌ترین پذیرش بین‌المللی را در میان معاهدات حقوق بشری داشته است (سازمان ملل متحد، ۱۹۸۹).

این کنوانسیون در مواد مختلف خود بر حق ذاتی کودکان برای زندگی، بقا، رشد همه‌جانبه جسمی، ذهنی و عاطفی و همچنین حمایت در برابر هرگونه سوءرفتار و خشونت تأکید دارد. دولت‌های عضو ملزم شده‌اند تدابیر لازم را برای حمایت قانونی، اجتماعی و آموزشی از کودکان به کار بندند و شرایطی را فراهم سازند که کودکان بتوانند در فضایی امن به رشد طبیعی خود ادامه دهند.

علاوه بر مفاد کلی کنوانسیون، دو پروتکل اختیاری در سال ۲۰۰۰ به آن الحاق شد که یکی به مشارکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه و دیگری به فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان می‌پردازد. این پروتکل‌ها نشان‌دهنده توجه مضاعف جامعه بین‌المللی به وضعیت آسیب‌پذیر کودکان در زمان جنگ و بحران‌های اجتماعی هستند (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰).

با این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که مبانی نظری حقوق کودک در اسناد بین‌المللی عمدتاً بر کرامت ذاتی انسان، نیازهای ویژه کودکان به دلیل وابستگی و ناتوانی نسبی، و مسئولیت مضاعف دولت‌ها در قبال آنان استوار است. این رویکرد، بنیانی قوی برای تحلیل اقدامات ناقض حقوق کودکان در هر منطقه‌ای از جهان فراهم می‌سازد.

مبانی نظری حقوق بشردوستانه و اصل تفکیک

حقوق بشردوستانه بین‌المللی یا همان حقوق جنگ، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است که هدف اصلی آن کاستن از آلام انسانی در زمان مخاصمات مسلحانه و حمایت از کسانی است که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند. این حقوق بر اصولی استوار است که حتی در شدیدترین درگیری‌ها نیز باید رعایت گردد.

یکی از مهم‌ترین اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، اصل «تفکیک» میان رزمندگان و غیرنظامیان است. این اصل در ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تصریح شده و از طرف‌های درگیر می‌خواهد همواره میان اهداف نظامی و غیرنظامی تمایز قائل شوند تا افراد غیرنظامی، به‌ویژه کودکان، از خطرات مستقیم جنگ مصون بمانند (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۱۹۷۷).

ماده ۵۱ همین پروتکل صراحتاً حملات مستقیم یا بی‌ملاحظه‌ای که متوجه غیرنظامیان شود را ممنوع اعلام می‌کند و نقض این اصل را در شمار جنایات جنگی می‌داند. این قاعده، علاوه بر آنکه در اسناد قراردادی آمده، به‌عنوان عرف تثبیت شده حقوق بین‌الملل نیز شناخته می‌شود و رعایت آن برای همه دولت‌ها الزام‌آور است.

از منظر عرفی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مطالعه گسترده خود پیرامون قواعد حقوق بشردوستانه تأکید می‌کند که اصل تفکیک نخستین قاعده عرفی در همه انواع مخاصمات مسلحانه محسوب می‌شود. بدین ترتیب، حتی در جنگ‌های داخلی و مخاصمات غیر بین‌المللی نیز دولت‌ها و گروه‌های درگیر مکلف به رعایت این اصل هستند (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۲۰۰۵).

همچنین پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ که به مخاصمات غیر بین‌المللی اختصاص یافته است، در ماده ۱۳ مقرر می‌دارد که افراد غیرنظامی از تعرض و حمله مصون هستند و نباید هدف حملات قرار گیرند. به این ترتیب، حقوق بشردوستانه با یک نگاه جامع به دنبال آن است که در هر نوع مخاصمه‌ای، جان و کرامت غیرنظامیان و به‌طور خاص کودکان، محفوظ بماند.

این اصول و قواعد، پایه‌های اصلی تحلیل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و اشخاص حقیقی در قبال نقض حقوق غیرنظامیان و کودکان در جریان مخاصمات مسلحانه را تشکیل می‌دهند. لذا با توجه به چنین مبانی نظری و حقوقی، می‌توان رفتارهایی همچون حملات مستقیم به مناطق مسکونی و کشتار کودکان را در چارچوب نقض صریح حقوق بشردوستانه ارزیابی کرد.

نقض سیستماتیک حقوق کودکان توسط رژیم صهیونیستی در فلسطین و ایران

رژیم صهیونیستی در طول هشت دهه گذشته همواره متهم به ارتکاب نقض‌های گسترده و سیستماتیک حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده است. بخش قابل توجهی از این نقض‌ها متوجه کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قربانیان جنگ و اشغال نظامی است. بررسی اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که این اقدامات به هیچ‌وجه محدود به موارد معدود نبوده بلکه ماهیتی ساختاری و مستمر پیدا کرده است (دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، ۲۰۱۹).

یکی از مهم‌ترین ابعاد این نقض‌ها، حملات مکرر به مناطق مسکونی پرجمعیت فلسطینیان در نوار غزه و کرانه باختری است. در گزارش کمیسیون تحقیق شورای حقوق بشر سازمان ملل پیرامون درگیری‌های غزه در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ تأکید شده است که بسیاری از عملیات نظامی اسرائیل فاقد تفکیک کافی میان اهداف نظامی و غیرنظامی بوده و منجر به کشته شدن شمار زیادی کودک شده است (شورای حقوق بشر سازمان ملل، ۲۰۱۵).

اسناد یونسف نشان می‌دهد که تنها در جریان جنگ ۵۱ روزه غزه در سال ۲۰۱۴ بیش از ۵۰۰ کودک فلسطینی کشته و حدود ۳۵۰۰ کودک دیگر مجروح شدند. این آمار بالاترین رقم تلفات کودکان فلسطینی در طول چند دهه اخیر بوده است و مصداق بارز نقض اصل تفکیک و تناسب به‌شمار می‌رود (یونسف، ۲۰۱۴).

علاوه بر این، گزارش‌های سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر بارها تصریح کرده‌اند که ارتش اسرائیل مدارس، مراکز درمانی و حتی پناهگاه‌های موقت سازمان ملل را بمباران کرده است. به‌عنوان نمونه در گزارش عفو بین‌الملل پیرامون درگیری‌های ۲۰۲۱ آمده است که نیروهای اسرائیلی بارها به مناطق غیرنظامی شلیک کرده‌اند که منجر به کشته‌شدن کودکان شد (عفو بین‌الملل، ۲۰۲۱).

محاصره طولانی مدت نوار غزه که از سال ۲۰۰۷ به‌طور جدی تشدید شد، آسیب‌های غیرمستقیم اما فاجعه‌باری بر سلامت و رشد کودکان فلسطینی وارد کرده است. براساس گزارش دفتر هماهنگی کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل (اوپا)، حدود ۷۰ درصد کودکان غزه دچار ناامنی غذایی و سوءتغذیه مزمن هستند (اوپا، ۲۰۲۰).

همچنین یونیسف در گزارش دیگری تأکید کرده که به‌دلیل نبود برق پایدار، دارو و تجهیزات پزشکی، وضعیت بیمارستان‌های کودکان در غزه در آستانه فروپاشی قرار دارد و بسیاری از کودکان مبتلا به بیماری‌های قابل درمان به‌دلیل محدودیت‌های تحمیلی جان خود را از دست می‌دهند (یونیسف، ۲۰۱۹).

کاربرد مهمات نامتعارف نظیر گلوله‌های فسفر سفید در مناطق پرجمعیت نیز از دیگر موارد مستند شده نقض حقوق کودکان است. کمیسیون مستقل تحقیق سازمان ملل در سال ۲۰۰۹ به صراحت اعلام کرد که اسرائیل در جریان عملیات موسوم به «سرب گداخته» در ۲۰۰۸-۲۰۰۹ از گلوله‌های فسفر سفید در مناطقی استفاده کرد که کودکان فلسطینی حضور داشته‌اند (کمیسیون تحقیق سازمان ملل، ۲۰۰۹).

از سوی دیگر، بازداشت‌های گسترده و حتی شبانه کودکان فلسطینی یکی دیگر از مصادیق آشکار نقض حقوق بشر است. براساس آمار منتشرشده توسط سازمان «دفاع از کودکان فلسطین»، سالانه بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ کودک فلسطینی در دادگاه‌های نظامی اسرائیل محاکمه می‌شوند که بسیاری از آن‌ها در جریان بازجویی مورد آزار جسمی و روانی قرار می‌گیرند (دفاع از کودکان فلسطین، ۲۰۲۱).

کمیته حقوق کودک سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ نیز در گزارش مفصلی درباره وضعیت کودکان فلسطینی بازداشت‌شده در زندان‌های اسرائیل، رفتار مقامات این رژیم را مصداق شکنجه و نقض فاحش کنوانسیون حقوق کودک دانست (کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۱۳).

این بازداشت‌ها و برخوردهای خشن پیامدهای روانی بسیار عمیقی برای کودکان فلسطینی به همراه داشته است. مطالعات میدانی در کرانه باختری نشان می‌دهد درصد بالایی از این کودکان پس از آزادی دچار اختلالات اضطرابی، افسردگی و حتی تمایل به خودآزاری می‌شوند (موسسه بهداشت روان رام‌الله، ۲۰۱۷).

فراتر از سرزمین‌های اشغالی فلسطین، حملات پهبادی و موشکی اسرائیل به خاک ایران در سال‌های اخیر که به بهانه مقابله با حضور گروه‌های خاص صورت گرفته، گاه منجر به جان‌باختن غیرنظامیان از جمله کودکان ایرانی شده است. این موضوع نقض مستقیم اصل منع توسل به زور و اصل تفکیک میان غیرنظامیان و نظامیان محسوب می‌شود (منشور ملل متحد، ۱۹۴۵).

در گزارش‌های برخی نهادهای مستقل حقوق بشری ایرانی و همچنین اسناد منتشر شده توسط خبرگزاری‌های بین‌المللی، مواردی از کشته‌شدن کودکان در جریان این حملات گزارش شده است. گرچه این موارد به گستردگی نمونه‌های فلسطین نیست، اما نشان می‌دهد که رویکرد نظامی اسرائیل نسبت به رعایت حقوق غیرنظامیان عموماً بی‌اعتناست.

مطابق ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حق حیات یک حق غیرقابل تعلیق است که حتی در وضعیت‌های اضطراری نباید مخدوش شود. به همین دلیل، حملات نظامی اسرائیل در خاک ایران که منجر به تلفات غیرنظامیان از جمله کودکان شده است، نقض صریح این تعهد بین‌المللی به‌شمار می‌رود (میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶).

همچنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در گزارش تفسیری خود پیرامون پروتکل‌های الحاقی ژنو تأکید می‌کند که اصل تفکیک و ممنوعیت حمله به غیرنظامیان در همه انواع مخاصمات حتی در شرایط خوددفاعی نیز لازم‌الرعایه است (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ۲۰۰۵). این امر مسئولیت بین‌المللی مضاعفی را متوجه اسرائیل می‌کند.

در نهایت باید خاطرنشان ساخت که مجموع این رفتارها چه در فلسطین و چه در ایران، می‌تواند مصداق جنایات جنگی و حتی جنایت علیه بشریت تلقی گردد و زمینه طرح پرونده‌های حقوقی در دیوان کیفری بین‌المللی علیه مقامات ارشد اسرائیل را فراهم سازد. این همان مطالبه‌ای است که بارها توسط گزارشگران ویژه سازمان ملل و شوراهای حقوق بشری مطرح شده است (شورای حقوق بشر سازمان ملل، ۲۰۲۱).

مسئولیت بین‌المللی ناشی از این اقدامات

یکی از مهم‌ترین آثار نقض حقوق بین‌الملل، تحقق مسئولیت بین‌المللی برای دولت یا سایر بازیگران ناقض این قواعد است. حقوق بین‌الملل معاصر بر اصل پاسخگویی استوار است و نقض تعهدات بین‌المللی هر دولت، فارغ از ماهیت، سبب می‌شود که آن دولت مسئول جبران خسارات و پاسخ به نتایج حقوقی نقض شود.

در مورد اسرائیل، رفتارهای مکرر این رژیم در حمله به غیرنظامیان، از جمله کودکان در فلسطین و حتی ایران، نقض تعهدات حقوق بشر دوستانه، حقوق بشر و قواعد آمره محسوب می‌شود. براساس طرح مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی که در سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل تصویب و به طور گسترده پذیرفته

شد، نقض هر قاعده بین‌المللی که به دولت نسبت داده شود، مستوجب مسئولیت آن است (کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱).

بر این اساس، رژیم صهیونیستی به دلیل نقض مکرر اصل تفکیک، ممنوعیت حمله به غیرنظامیان و استفاده از ابزارهای جنگی نامتناسب، مسئولیت بین‌المللی آشکاری دارد. این مسئولیت شامل الزام به پایان دادن فوری به رفتارهای ناقض، تضمین عدم تکرار و همچنین جبران کامل خسارات مادی و معنوی است که به قربانیان وارد شده است.

از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تخلفات شدید از قواعد جنگ به‌ویژه علیه غیرنظامیان، جنایت جنگی تلقی می‌شود. دیوان کیفری بین‌المللی ذیل اساسنامه رم صلاحیت رسیدگی به جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت را داراست. مطابق ماده ۸ اساسنامه رم، حملات عمدی علیه غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی جنایت جنگی محسوب می‌شود.

بنابراین حملات مکرر اسرائیل به مدارس، بیمارستان‌ها، مناطق مسکونی و همچنین محاصره طولانی نوار غزه که به وضعیت فاجعه‌بار انسانی منجر شده، از مصادیق جنایت جنگی است که می‌تواند موجب تعقیب کیفری مسئولان این رژیم در دیوان کیفری بین‌المللی گردد. گزارش‌های متعدد شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز بر همین نکته تأکید داشته‌اند (شورای حقوق بشر سازمان ملل، ۲۰۱۵).

علاوه بر مسئولیت کیفری مقامات، خود دولت اسرائیل به‌عنوان یک تابع حقوق بین‌الملل، مسئولیت مدنی و سیاسی دارد. این مسئولیت به معنای الزام به جبران خسارت قربانیان، پذیرش پیامدهای دیپلماتیک و همکاری با تحقیقات بین‌المللی است. در موارد نقض قواعد آمره نظیر ممنوعیت حمله به غیرنظامیان، حق سایر دولت‌ها برای واکنش‌های مقابله‌ای مشروع نیز فعال می‌شود.

همچنین مطابق ماده ۴۸ طرح مسئولیت دولت‌ها، سایر کشورها نیز حق دارند در صورت نقض تعهدات ارگامنس (یعنی تعهدات در قبال جامعه بین‌الملل به‌طور کلی) اقدامات حقوقی یا دیپلماتیک برای واداشتن دولت ناقض به رعایت حقوق بین‌الملل به‌عمل آورند. ممنوعیت حمله به غیرنظامیان و اصل تفکیک بی‌تردید از این دست تعهدات هستند.

افزون بر این، در پرتو اصل جهانی بودن صلاحیت کیفری (Universal Jurisdiction)، دولت‌ها می‌توانند در موارد ارتکاب جنایات بین‌المللی نظیر جنایت جنگی علیه غیرنظامیان حتی در غیاب عنصر سرزمینی یا تابعیتی،

قضات و دادستان‌های خود را مأمور پیگرد عاملان کنند. این موضوع در چند کشور اروپایی و آمریکای لاتین در ارتباط با جنایات اسرائیل در حال پیگیری است.

از منظر اخلاقی و انسانی نیز، جامعه جهانی نمی‌تواند در برابر نقض آشکار حقوق کودکان و جنایات جنگی علیه آنان سکوت کند. حمایت‌های بین‌المللی از کودکان که ریشه در کرامت انسانی دارد، اقتضا می‌کند نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در موارد جدی ورود پیدا کنند.

مجموع این موارد نشان می‌دهد که اقدامات اسرائیل نه تنها مسئولیت بین‌المللی برای جبران خسارت قربانیان و بازگرداندن وضعیت به حالت اولیه ایجاد می‌کند، بلکه موجبات مسئولیت کیفری مقامات عالی‌رتبه این رژیم را به‌عنوان آمران یا مباشران این جنایات فراهم می‌سازد. چنین پیگردهایی می‌تواند الگویی بازدارنده برای پیشگیری از تکرار این جنایات علیه کودکان در سراسر جهان باشد.

تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی

یکی از اسناد مهم بین‌المللی که برای مقابله با اشکال نوین خشونت علیه غیرنظامیان به تصویب رسیده، کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری‌های تروریستی مصوب ۱۹۹۷ است. این کنوانسیون که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۶۴/۵۲ به تصویب رسید و از سال ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا گردید، با هدف پر کردن خلأ حقوقی در برابر اقدامات تروریستی طراحی شده که عمدتاً با کارگذاری یا انفجار بمب‌ها در اماکن عمومی همراه هستند (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۷).

طبق ماده ۲ کنوانسیون، هر فردی که به‌طور غیرقانونی و عامدانه دستگاه منفجره یا مواد منفجره مرگبار را در یک مکان عمومی قرار دهد یا منفجر کند، با قصد کشتار یا آسیب شدید بدنی و همچنین با نیت وارد آوردن خسارت جدی به دارایی یا ایجاد وحشت در میان مردم، مرتکب «جرم بمب‌گذاری تروریستی» شده است (کنوانسیون بمب‌گذاری‌های تروریستی، ماده ۲). اهمیت این ماده در آن است که حتی اگر این اقدامات به ظاهر با اهداف نظامی یا امنیتی داخلی توجیه شود، اما به‌سبب هدف‌گیری مستقیم غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی، مشمول تعریف تروریسم خواهد شد.

با توجه به مفاد این کنوانسیون، رفتارهای ارتش اسرائیل به‌ویژه در حملات هوایی و توپخانه‌ای علیه مناطق مسکونی در غزه و گاه حتی در نقاطی از ایران که هیچ مرکز نظامی در آن‌ها مستقر نبوده، آشکارا در دایره این تعریف قرار می‌گیرد. گزارش کمیسیون مستقل تحقیق شورای حقوق بشر سازمان ملل درباره جنگ غزه در سال ۲۰۱۴ تأکید

می‌کند که ارتش اسرائیل عمداً مناطقی را بمباران کرده که فقط خانواده‌های فلسطینی ساکن آن بوده‌اند (شورای حقوق بشر سازمان ملل، ۲۰۱۵).

فراتر از فلسطین، حملات موشکی اسرائیل به مناطقی از خاک ایران که به‌طور آشکار فاقد مراکز نظامی بوده‌اند و در برخی موارد منجر به کشته شدن زنان و کودکان شده است نیز، نمونه روشنی از عملیات‌هایی است که از منظر کنوانسیون ۱۹۹۷ می‌تواند مصداق بمب‌گذاری تروریستی باشد. این اقدامات با عنصر «عامدانه بودن» و «ایجاد وحشت در میان غیرنظامیان» تطابق دارد و لذا شمول این جرم بین‌المللی بر آن‌ها قابل انکار نیست.

وقتی این حملات به‌عنوان بخشی از یک سیاست نظام‌یافته، سازمان‌یافته و تحت هدایت مستقیم حاکمیت اسرائیل تکرار می‌شود، ماهیت «دولتی بودن» آن نیز احراز می‌گردد. به همین سبب در ادبیات حقوق بین‌الملل این پدیده به‌عنوان «تروریسم دولتی» شناخته می‌شود؛ یعنی اعمال خشونت گسترده یا ارباب‌آور علیه غیرنظامیان که با دستور یا حمایت دولت‌ها انجام می‌شود. این وضعیت نه تنها موجب مسئولیت کامل دولت اسرائیل در قبال نقض تعهدات بین‌المللی می‌شود بلکه می‌تواند مسئولیت کیفری مستقیم مقامات عالی‌رتبه این رژیم را به‌دنبال داشته باشد.

به‌طور خلاصه، بر اساس اسناد حقوقی نظیر کنوانسیون ۱۹۹۷، منشور ملل متحد و اصول عرفی حقوق بشردوستانه، حمله به مناطق غیرنظامی فاقد هرگونه مرکز نظامی، به‌ویژه زمانی که آشکارا موجب قتل و وحشت غیرنظامیان می‌شود، مصداق بارز «بمب‌گذاری تروریستی» بوده و وقتی این اقدامات به‌صورت مکرر و به دستور یک دولت انجام می‌گیرد، در قلمرو حقوق بین‌الملل تحت عنوان تروریسم دولتی قابل پیگرد خواهد بود. چنین نقض‌هایی مسیر را برای مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت بین‌المللی دولت اسرائیل در محاکم بین‌المللی هموار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

بررسی ابعاد مختلف نقض حقوق کودکان توسط رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که این اقدامات نه صرفاً مصادیق پراکنده و اتفاقی، بلکه یک الگوی مستمر و ساختاریافته بوده که در طول دهه‌ها تکرار شده است. از حملات مستقیم به منازل مسکونی، مدارس و بیمارستان‌ها گرفته تا محاصره طولانی‌مدت اقتصادی که به سوءتغذیه و بیماری‌های مزمن کودکان انجامیده، همگی حکایت از بی‌توجهی عمیق این رژیم به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل دارد. این وضعیت به‌طور خاص اصل تفکیک میان غیرنظامیان و نظامیان را نقض می‌کند که قاعده‌ای عرفی و آمره در حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود.

از منظر کنوانسیون حقوق کودک نیز این رفتارها نقض صریح ماده ۶ (حق حیات)، ماده ۱۹ (حمایت در برابر خشونت) و ماده ۳۸ (رعایت مقررات حقوق بشردوستانه درباره کودکان در جنگ) است. اسناد رسمی سازمان ملل

و گزارش‌های مکرر نهادهای ناظر بر حقوق بشر این نقض‌ها را به‌طور کامل مستند کرده‌اند. افزون بر این، حملات پهبادی و موشکی اسرائیل به مناطقی از ایران که حتی مراکز نظامی در آن‌ها وجود نداشته، سطح تازه‌ای از نقض حقوق غیرنظامیان و از جمله کودکان را نمایان می‌کند که در پرتو کنوانسیون مقابله با بمب‌گذاری‌های تروریستی می‌تواند مصداق اقدامات تروریستی دولتی تلقی شود.

با توجه به مجموعه این نقض‌ها، مسئولیت بین‌المللی دولت اسرائیل از دو جنبه قابل تحلیل است: نخست، مسئولیت مدنی و بین‌الدولتی برای جبران خسارات و توقف رفتارهای غیرقانونی؛ و دوم، مسئولیت کیفری که می‌تواند مقامات ارشد این رژیم را در معرض پیگرد در محاکم بین‌المللی به‌عنوان عاملان مستقیم جنایت جنگی و تروریسم دولتی قرار دهد. چنین مسئولیتی از منظر قواعد عرفی، معاهدات الزام‌آور و حتی اصول اخلاقی جامعه بین‌المللی قابل توجیه است.

در نهایت، جامعه جهانی و سازمان‌های ذی‌صلاح بین‌المللی نباید در برابر این نقض‌های گسترده و سیستماتیک حقوق کودکان و سایر غیرنظامیان سکوت کنند. اتخاذ تدابیر جدی‌تر از سوی شورای امنیت، دیوان کیفری بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری برای بازخواست اسرائیل و تضمین حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه، ضرورتی فوری دارد. امید است این اقدامات در بلندمدت بتواند گامی در مسیر صلح پایدار و حمایت حقیقی از نسل‌های آینده باشد.

منابع و مآخذ

- UNICEF. (2014). *Children in Gaza: Suffering amid conflict*. Retrieved from <https://www.unicef.org/press-releases/children-gaza-suffering-amid-conflict>
- UNICEF. (2019). *Humanitarian Action for Children: State of Palestine*. Retrieved from <https://www.unicef.org/appeals/state-palestine>
- OCHA. (2020). *Humanitarian Needs Overview: occupied Palestinian territory*. Retrieved from <https://www.ochaopt.org/content/humanitarian-needs-overview-2020>
- United Nations Human Rights Council. (2009). *Report of the United Nations Fact Finding Mission on the Gaza Conflict (Goldstone Report)*. Retrieved from <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/special-missions/fact-finding-mission-gaza-2009>
- United Nations Human Rights Council. (2015). *Report of the independent commission of inquiry on the 2014 Gaza conflict*. Retrieved from <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/coi-gaza-conflict>
- United Nations Human Rights Council. (2021). *Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Palestinian territories occupied since 1967*. Retrieved from <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/opt-2021>
- Committee on the Rights of the Child. (2013). *Concluding observations on Israel*. Retrieved from https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CRC/C/ISR/CO/2-4&Lang=En
- International Committee of the Red Cross (ICRC). (1977). *Protocol Additional to the Geneva Conventions (Protocol I & II)*. Retrieved from <https://ihl-databases.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/INTRO/470>
- International Committee of the Red Cross (ICRC). (2005). *Customary IHL Study*. Retrieved from <https://ihl-databases.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/home>

Amnesty International. (2021). *Israel/OPT: Pattern of unlawful attacks in Gaza*. Retrieved from <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2021/05/israel-opt-pattern-of-unlawful-attacks-in-gaza/>

Human Rights Watch. (2021). *Gaza: Israel's May War Crimes*. Retrieved from <https://www.hrw.org/news/2021/07/27/gaza-israels-may-war-crimes>

Defense for Children International - Palestine. (2021). *Annual Report on Israeli military detention*. Retrieved from https://www.dci-palestine.org/issues_military_detention

United Nations. (1997). *International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings*. General Assembly Resolution 52/164. Retrieved from https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XVIII-9&chapter=18

ایسیو مقالات منشر شدہ۔